



نام درس: تاریخ تحلیلی صدر اسلام

نام استاد: جناب آقای مهدی حاجیان

نام دانشجو: مهسا رواقی

ساعت و روز کلاس: پنج شنبه (۱۴:۴۰ تا ۱۶:۱۰)

موضوع تحقیق: ارتباط چهل ساله اول زندگانی پیامبر در انتخاب ایشان از طرف خدا

پاسخ اجمالی

بر اساس ادله نبوت عامه خداوند برای هدایت بشر، افرادی را از جنس خودشان به عنوان الگو، خلیفه و هادی برگزید. این انتخاب بدون دلیل نیست.

توضیح این که استعداد خلافت الهی در نهاد تمامی انسان ها گذارده شده است اما در همه ی افراد به مرحله فعلیت نمی رسد؛ بلکه فقط عده ای استعداد خلافت الهی را با عبودیت محض به فعلیت می رسانند و به اختیار خودشان مرتکب معاصی نمی شوند؛ خداوند چون از آغاز و قبل از خلقت ظاهری، آگاه به حالات و رفتار آنها است، در پاداش اعمالشان، برگزیدن و رسالت و صلاحیت رهبری جامعه را به ایشان عنایت می کند؛ پس راز این انتخاب دو چیز است:

۱. عبودیت مطلق اولیای الهی نسبت به خداوند.

۲. عنایت و تفضل خداوند نسبت به اولیای الهی.

نتیجه این که تفضل خداوند نسبت پیامبران و ائمه (ع) چون اولاً: بر اساس قابلیت و تلاش آنها بوده و ثانیاً: اعطا این موهبت در واقع نوعی تفضل به کل بشریت و برای هدایت آنها بوده، حکیمانه و عادلانه است.

پاسخ تفصیلی

بر اساس ادله نبوت عامه، خداوند برای هدایت بشر افرادی را از جنس خود بشر از میان آنها به عنوان الگو و هادی برمیگزیند و آنان را از ویژگی هائی چون علم و عصمت برخوردار می کند. بنابر این بدون شک پیامبران و امامان (ع) مورد عنایت الهی قرار گرفته اند. اما این موهبت خدا دادی ناشی از قابلیت و شایستگی اراده معصومین (ع) است یعنی خداوند با علم ازلی و مطلق خود می دانست که عده ای از بندگان بیش از دیگران و در بالاترین حد ممکن از استعداد خود بهره برداری می کنند و مطیع محض خداوند خواهند بود، و همین سبب شد که خداوند از میان افراد بشر آنان را برگزیند و تفضلاً پاداش و موهبت ویژه را به آنها عطا نماید و آنان را از علم و اراده ای برخوردار کند که به واسطه ی آن به مصونیت کامل و مطلق (عصمت) برسند تا در پرتو آن راهنمایی موثق و مطمئن برای همه افراد بشر گردند.

آیات و روایات فراوانی به این واقعیت گواهی می دهد که به چند نمونه از آن اشاره می شود؛ خداوند متعال در قرآن می فرماید: چون شکیبائی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کردند.

امام صادق (ع) در همین زمینه می فرماید: به درستی که خداوند متعال انسانهایی را از فرزندان آدم انتخاب کرد و تولد آنها را پاک و بدنهای آنان را پاکیزه گردانید و آنها را در پشت مردان و رحم زنان در حفظ خویش قرار داد نه به جهت طلبی که از خداوند داشته باشند، بلکه از آنجا که خداوند در هنگام خلقت می دانست که از او فرمانبرداری می کنند و او را عبادت می نمایند و هیچگونه شرکی [حتی شرک خفی] نسبت به او روا نمی دارند. پس اینان بواسطه ی فرمانبرداری از خداوند به این کرامت و منزلت والا در نزد خداوند نایل شده اند.

در بخش های آغازین دعای ندبه آمده است: خداوند تو را سپاس، تو با آنها (اولیای خود) شرط نمودی که نسبت به زینتها و منزلتهای دنیوی بی اعتنا باشند جز به مقام قرب تو نیاندیشند و آنها نیز این شرط را پذیرفتند و چون می دانستی به این شرط عمل خواهند کرد آنان را پذیرفتی و مقرب خویش ساختی و به خاطر همین شایستگی فرشتگان را بر آنها نازل کردی و با وحی خود ایشان را گرامی داشتی و از خوان علم بی کران خویش بهره ها دادی.

نتیجه اینکه استعداد خلافت الهی در نهاد تمامی انسان ها گذارده شده است اما در همه ی افراد به مرحله فعلیت نمی رسد؛ و برگزیدن پیامبران و ائمه علیهم السلام ناشی از بهره برداری مطلق و کامل ایشان از زمینه ها و استعداد های خدادادی در راه عبودیت و بندگی خداوند است و خداوند با علم ازلی خویش به این خصوصیت آگاه بود. یعنی می دانست که این افراد در آینده به اختیار خود تمام مساعی خویش را در راه بندگی او قرار می دهند و خداوند نیز به پاس این بندگی اختیاری، ایشان را از مواهب ویژه ای چون رسالت و امامت برخوردار نموده است.

به هر حال؛ اعطای مواهب از جانب خداوند بر اساس مصالح افراد است، از این رو کسانی که از چنین مواهبی برخوردار نیستند به این دلیل است که داشتن آن استعدادها به مصلحت ایشان نیست و قدر آن را نمی دانند.

چند نمونه از این قبیل را نیز خداوند ذکر کرده است تا بدانیم افرادی از [برخی] فضایل برخوردار شدند لکن به دلیل سوء استفاده از آنها به بلایای عظیمی مبتلا گردیدند. اعطای این مواهب از جانب خداوند به افراد خاص بدون حکمت نیست و الله اعلم حدیث يجعل رسالته، او بهتر می داند رسالت خود را به چه کسی بدهد و چه کسی لیاقت آن را دارد.

خداوند در مورد یکی از افراد قوم حضرت موسی (ع) که در روایات بلعم باعورا نامیده شده است می فرماید: ما به بعضی از بندگان کرامت هایی اعطا کردیم، مزایای خاص را برای او قائل شدیم و افتخاراتی به او دادیم [البته نه مقام نبوت و رسالت]... ولی او این مواهب خدا دادی را در خدمت هوای نفس خود قرار داد و از آنها سوء استفاده کرد به سبب این سوء استفاده نه تنها رفعت پیدا نکرد بلکه تا حد یک سگ تنزل یافت.

با توجه به توضیحات داده شده، پاسخ به این سؤال که آیا این انتخاب به قبل از ولادت این دنیا نیز بستگی دارد یا خیر؟ روشن گردید که ملاک عمل در دنیا است؛ چنان که معنای روایاتی مثل این روایت که امام صادق (ع) فرمودند: خداوند به اصحاب یمین امر کرد در آتش داخل شوند و ایشان اجابت کرده و داخل آتش شده اند ولی اصحاب شمال سرپیچی کرده و داخل در آتش نشدند، آشکار شده است که منظور کسانی است که بعداً در دنیا با انتخاب و اختیار خود از اصحاب یمین و یا اصحاب شمال محسوب می شوند و حقیقت آنها در عالم قبل از دنیا بدان گونه نشان داده می شود.

در هر صورت برتری پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) نسبت به سایر افراد واضح و روشن است؛ امام صادق (ع) این گونه فرموده اند: «هنگامی که خداوند خلق را آفرید ایشان را در پیشگاه خویش حاضر نمود و از آنان پرسید که رب شما کیست؟ اولین کسی که پاسخ داد و گفت تو رب ما هستی، رسول الله (ص) و امیر المؤمنین و ائمه (ع) بودند پس خداوند ایشان را حاملان علم و دین قرار داد.

یا در روایت دیگری پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «خداوند من علی و فاطمه و حسن و حسین را هفت هزار سال قبل از خلقت دنیا آفرید» که مراد حضرت از این خلقت، خلقت نوری و ملکوتی است نه خلقت جسمانی و بدنی که در برهه ای خاص از زمان بوده است. نتیجه این که تفضل خداوند نسبت پیامبران و ائمه (ع) چون اولاً: بر اساس قابلیت و تلاش آنها بوده و ثانیاً: اعطا این موهبت در واقع نوعی تفضل به کل بشریت و برای هدایت آنها بوده، حکیمانه و عادلانه است.